



## فقه ۳

کرایش تفسیر و علوم قرآن

درس تمهیدی فی الفقه الاستدلالی

## درس ۳۳

کتاب ارث

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای باقریان

## مقدمه

دانستیم که اگر میت دارای اخوه باشد با وجود شرایطی، مادر از ارث بردن بیشتر از سدس ترکه محروم می‌شود. در  
 دس‌ه‌ای پیشین با این شرایط و دلیل برخی از آنها آشنا شدیم. در این درس، به بررسی دلایل و مستندات شروط  
 دیگر حاجب بودن اخوه می‌پردازیم که عبارتند از: زنده و حیّ بودن اخوه هنگام موت میت؛ مسلمان و حرّ بودن  
 اخوه؛ زنده بودن پدر میت.  
 در پایان این درس، اشاره‌ای به مبحث عول و تعصیب خواهیم داشت.

## متن عربی

١٤- و اما اعتبار الانفصال بالولادة

فهو المشهور. و يدل عليه انصراف عنوان «الاخوة» المذكور في الآية الكريمة عن الحمل، بل قد يمنع صدق عنوان الاخوة مع عدم الانفصال.

١٥- و اما اعتبار الإسلام و الحرية

فهو متسالم عليه. و يدل عليه صحيح محمد بن مسلم: «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن المملوك و المشرک يحجبان اذا لم يرثا؟ قال: لا» و غيره.

و قد يناقش بظهوره في ارادة حجب الحرمان دون النقصان.

و فيه: انه ان لم يكن ظاهرا في الثاني فلا أقل من شموله له فيتمسك بالاطلاق او احتمال شموله ف يتمسك بعدم الاستفصال.

١٦- و اما اعتبار حياة الاب

فهو المشهور. و يدل على ذلك ظاهر الآية الكريمة وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ. و هي ان دلت على اعتبار حياة الاب و الا فلا ريب في اختصاصها بها فتبقى حالة عدم الحياة مشمولة لإطلاق ما دل على ان لها الثلث.

هذا مضافا الى دلالة صحيحة زرارة المتقدمة في الرقم ١٣ على ذلك، حيث ورد في ذيلها: «... ان مات رجل و ترك امه و اخوة و اخوات لأب و ام، و اخوة و اخوات لام و ليس الاب حيا فانهم لا يرثون و لا يحجبونها لأنه لم يورث كلاله». بل ان حكمة الحجب المذكورة في الصحيحة تدل على المطلوب أيضا فلاحظ.

٥- العول و التعصيب

اذا كان جميع الورثة ذوى فروض فتارة تفترض فروضهم مساوية لسته أسداس، و اخرى يفترض كونها اكثر من ذلك، و ثالثة يفترض كونها أقل.

مثال الاولى ما لو فرض ان الوارث ابوان و بنتان.

## دلیل برخی دیگر از شرایط حاجب بودن اخوه

### دلیل لزوم زنده و متولد بودن اخوه هنگام موت میت

مشهور فقها معتقدند که در حاجب بودن اخوه شرط است که در حال موت میت، اخوه در حال حیات و در خارج موجود باشند. به عبارت دیگر متولد شده باشند و صرفاً حمل نباشند؛ چه آنکه عنوان «اخ» بر «حمل» صدق نفی کند. بنابراین اگر فرض کنیم که مادر میت و یا زوجه ی پدر میت آبستن باشد، به گونه ای که با حملی که در شکم دارند، تعداد مورد نیاز برای تحقق حجب، تکمیل می گردد، تأثیری بر حجب مادر نخواهد داشت. دلیل مشهور فقها بر حکم یاد شده این است که عنوان «اخوه» در آیه مذکور<sup>۱</sup>، از نظر لغت، از «حمل» انصراف دارد و بر «حمل» صدق نفی کند؛ علاوه بر اینکه عرفاً «حمل»، «برادر» یا «خواهر» محسوب نفی شود و تا متولد نشود، عناوین یاد شده بر آن صدق نفی کند؛ هر چند که تخمین داشته باشیم که زنده متولد می شود و جنسیت آن پس از تولد چه خواهد بود.

### دلیل لزوم مسلمان و حرّ بودن اخوه

فقهای شیعه اتفاق نظر دارند بر اینکه اخوه در صورتی حاجب نقصانی مادر محسوب می شوند که مسلمان و حرّ باشند؛ به عبارت دیگر، اخوه اگر کافر یا عبد باشند، مادر از ارث محروم نمی شود؛ بنابراین اگر میت، تعدادی برادر و خواهر داشته باشد که یکی از آنها کافر یا ع بد باشند و با احتساب آن شخص کافر یا عبد، تعداد مورد نیاز برادران و خواهران برای تحقق حجب مادر فراهم شود و بدون احتساب او تعداد مورد نیاز برای تحقق حجب، ناقص باشد، حجب تحقق نفی یابد.

به طور کلی می توان گفت: وضع اخوه باید به گونه ای باشد که بر فرض فقدان پدر و مادر، ممنوع از ارث نباشند مگر به سبب قتل، که مانع از حجب نیست؛ یعنی اگر به سبب قتل ممنوع از ارث باشند حاجب خواهند بود. دلیل حکم یاد شده، روایاتی است که در این زمینه وارد شده اند و از جمله آنها صحیحیه ی محمد بن مسلم است که از امام صادق (ع) پرسید: «آیا مملوک و مشرکی که خود ارث بر نیستند حاجب می شوند؟ امام صادق (ع) فرمود: نه».

برخی از فقها در دلالت روایت یاد شده بر حجب نقصان تردید نموده و معتقدند که روایت مزبور، تنها دلالت بر حجب حرمان<sup>۲</sup> می کند؛ دلیل این گروه از فقها این است که از ظاهر روایت چنین تبادر به ذهن می شود که تنها حجب حرمانی مقصود روایت بوده است.

در جواب فقهای که دلالت روایت را تنها بر حجب حرمان می دانند چنین گفته اند که اطلاق روایت حاکی از این است که ناظر بر حجب نقصان نیز می باشد؛ علاوه بر اینکه بر فرض عدم شمول حجب نقصان، پاسخ امام (ع) نیاز

<sup>۱</sup>. مراد آیه شریفه «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ» است.

<sup>۲</sup>. یادآوری می کنیم که در حجب حرمان، محجوب به طور کلی از ارث محروم است و در حجب نقصانی، محجوب از نص یب اکثر محروم می شود.

به تفصیل داشت در حالی که ایشان تفصیلی ارائه نکرده اند؛ به عبارت دیگر، بر فرض وجود تفصیل در حکم یاد شده، با توجه به اینکه امام (ع) در مقام پاسخگویی قرار داشتند، مطمئناً تفصیل مقتضی توسط معصوم ارائه می‌شد؛ و این عدم تفصیل، دلیل بر این است که روایت یاد شده، شامل حجب نقصان نیز می‌شود.

### تطبیق

۱۴- و اما اعتبار الانفصال بالولادة فهو المشهور.

از دیدگاه مشهور در حاجب بودن اخوه متولد شده بودن آنان در هنگام مرگ میت شرط است،

و يدل عليه انصراف عنوان «الاخوة» المذكور في الآية الكريمة عن الحمل،

دلیل آن انصراف عنوان «اخوه» در آیه مذکور از حمل است

بل قد يمنع صدق عنوان الاخوة مع عدم الانفصال.

بلکه گفته شده که بر جنینی که در شکم مادرش است تا به دنیا نیاید اخوه صدق نمی‌کند.

۱۵- و اما اعتبار الإسلام و الحرية فهو متسالم عليه

اسلام و حریت در حاجب بودن اخوه، شرط مورد اتفاق فقها است

و يدل عليه صحيح محمد بن مسلم: «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن المملوك و المشرک يحجبان اذا لم يرثا؟ قال : لا»<sup>۱</sup> و غیره.

دلیلش صحیح محمد بن مسلم است که از امام صادق پرسید: «آیا مملوک و مشرکی که خود ارث بر نیستند حاجب می‌شوند؟ امام فرمود: نه». و روایات دیگری نیز در این زمینه هست.

و قد يناقش بظهوره في ارادة حجب الحرمان دون النقصان.

برخی در دلالت روایت بر حجب نقصان اشکال کرده و گفته‌اند: روایت در حجب حرمان ظهور دارد،

و فيه: انه ان لم يكن ظاهرا في الثاني فلا أقل من شموله له فيتمسك بالاطلاق

ولی می‌توان پاسخ داد که اگر روایت ظهور در حجب نقصان نداشته باشد لااقل به سبب اطلاقش شامل حجب نقصان می‌شود

او احتمال شموله فیتمسک بعدم الاستفصال.

و اگر احتمال شمول آن را نسبت به حجب نقصان هم بدهیم، عدم استفصال را به عنوان دلیل، ارائه می‌کنیم.

دلیل لزوم زنده و متولد بودن اخوه هنگام موت میت جهت حاجب بودن اخوه نسبت به مادر میت

انصراف عنوان اخوه از حمل

عدم صدق عنوان برادر یا خواهر بر حمل

۱. وسائل الشیعة ۱۷: ۴۵۹ الباب ۱۴ من أبواب میراث الابوين و الاولاد الحديث ۱.

## نحوه دلالت صحیح محمد بن مسلم بر حجب نقصان

ظهور در حجب نقصان  
 به سبب اطلاق  
 عدم استفصال از سوی امام

Sc01⇒۱۳:۱۶

### دلیل لزوم زنده بودن پدر در حاجب بودن اخوه

مشهور فقها بر این عقیده هستند که اخوه در صورتی می‌توانند حاجب مادر باشند که پدر در قید حیات باشد. ظاهر آیه ۱۱ سوره نساء نیز بر حکم یاد شده دلالت دارد:

«فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ»<sup>۱</sup> چه آنکه عبارت «وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ» به این معنی است که: «و پدر و مادرش ارث ببرند» و این عبارت به روشنی بر شرط یاد شده دلالت می‌کند. علاوه بر آنکه اطلاق عبارت «فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ» که به این معنی است که: «مادر میت ثلث ترکه را به ارث می‌برد» نیز در صورتی محقق می‌شود که پدر نیز زنده باشد؛ در غیر این صورت، حجب تحقق نفی یابد و مادر تمام ترکه را به ارث می‌برد که ثلث آن را بالفرض و دو ثلث باقیمانده را بالقرا به ارث خواهد برد.

ممکن است اینگونه بگوییم که آیه یاد شده، حالت زنده نبودن پدر را نیز شامل می‌شود؛ به این صورت که قید «وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ»، دلالتی بر لزوم زنده بودن پدر برای تحقق ارث ندارد و قید «فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ»، فقط بر فریضه دلالت دارد؛ به این صورت که در صورت زنده بودن پدر و عدم تحقق حجب، مادر ثلث ترکه را به ارث می‌برد و باقیمانده ترکه برای پدر است و در صورت زنده بودن پدر و تحقق حجب، مادر سدس ترکه را به ارث می‌برد و باقیمانده برای پدر است و در صورت زنده نبودن پدر و عدم تحقق حجب، مادر ثلث ترکه را به عنوان فریضه، و باقیمانده ترکه را به عنوان ردّ بهارث می‌برد و در صورت زنده نبودن پدر و تحقق حجب، سدس ترکه را به عنوان فرض و باقیمانده را به عنوان ردّ به ارث می‌برد؛ که بنا بر تفسیر یاد شده نیز با نتیجه‌ی یکسانی مواجه خواهیم بود؛ هر چند که مراد ما از حجب نقصانی، محرومیت از بخشی از ارث است و در حالتی که مادر باقیمانده ترکه را به عنوان ردّ به ارث می‌برد حجب واقعاً تحقق نفی یابد.

علاوه بر آیه یاد شده، صحیحی زراعه نیز بر ضرورت زنده بودن پدر برای تحقق حجب مادر دلالت دارد؛ چه آنکه در ذیل حدیث یاد شده چنین آمده است که: «اگر مردی از دنیا برود و مادر و برادران ابوی او باقی بگذارند و پدر میت زنده نباشد اخوه ابوی او ارث نمی‌برند و حاجب او هم نمی‌شوند زیرا با وجود مادر، کلاله (اعم از کلاله ابی و امی و ابوی) ارث نمی‌برد».

۱. النساء: ۱۱.

علاوه بر تصریح متن حدیث به ضرورت زنده بودن پدر برای تحقق حجب مادر، به تعلیل م وجود در حدیث نیز می توان استناد نمود؛ چه آنکه در حدیث یاد شده، امام (ع) دلیل زیادتیر ارث بردن پدر و تحقق حجب مادر را عیالمند بودن پدر و عهده دار بودن نفقه خواهران و برادران ابی و ابوینی میت عنوان نموده اند؛ و روشن است که در صورت زنده نبودن پدر، مخارج برادران و خواهران میت به عهده پدر نیست تا چنین محرومیتی برای مادر باشد.

## تطبیق

۱۶- و اما اعتبار حیاة الاب فهو المشهور.

به عقیده مشهور زنده بودن پدر شرط حاجب بودن اخوه است،

و يدل على ذلك ظاهر الآية الكريمة «وَوَرَثَهُ أَبَوَاهُ».

ظهور آیه کریمه بر این مطلب دلالت دارد زیرا در آن آمده است: «و پدر و مادرش ارث ببرند».

و هی ان دلت على اعتبار حیاة الاب

اگر دلالت آیه را بر معتبر بودن حیات پدر بپذیریم که مدعا ثابت شده

و الا فلا ريب في اختصاصها بها فتبقى حالة عدم الحیاة مشمولة لإطلاق ما دلّ على ان لها الثلث.

و الا شکی نیست که آیه اختصاص پیدا می کند به حالت حیات پدر، و صورت عدم حیات پدر، مشمول اطلاق آیه

مبنی بر این که مادر ثلث را به ارث می برد، خواهد بود (پس در حالت عدم حیات حجب محقق نخواهد بود).

هذا مضافا الى دلالة صحيحة زرارة المتقدمة في الرقم ۱۳ على ذلك،

علاوه بر این که صحیح زراره که در رقم ۱۳ گذشت بر این مطلب نیز دلالت دارد

حيث ورد في ذيلها: «... ان مات رجل و ترك امه و اخوة و اخوات لأب و ام، و اخوة و اخوات لام و ليس الاب حيا

فانهم لا يرثون و لا يحجبونها لأنه لم يورث كلاله»<sup>۱</sup>.

زیرا در ذیل آن آمده است: «اگر مردی از دنیا برود و مادر و برادران ابوینی و امی باقی بگذارد و پدر میت زنده

نباشد اخوه ابوینی یا امی ارث نمی برند و حاجب او هم نمی شوند زیرا با وجود مادر کلاله ارث نمی برد».

بل ان حکمة الحجب المذكورة في الصحيحة تدل على المطلوب أيضا فلاحظ.

بلکه می توان به استدلال امام نیز تمسک کرد که علت زیادتیر ارث بردن پدر این است که عیالمند است و خرج و

مخارج برادران و خواهران میت بر عهده اوست که با زنده نبودن پدر این حکمت نیز منتفی است.

۱. وسائل الشیعة ۱۷: ۴۵۸ الباب ۱۲ من أبواب ميراث الابوين و الاولاد الحديث ۳. ثم انه يحتمل ان يكون المقصود من التعليل «لأنه لم يورث كلاله» انه

لا ترثه الكلاله - ای الاخوة - لوجود الاقرب، و انما يورث كلاله اذا لم يوجد الاقرب.

دلیل لزوم زنده بودن پدر برای حاجب بودن اخوه

ظهور عبارت «و وَرَثَهُ أَبَوَاهُ» در آیه شریفه «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَ وَرَثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ»

اطلاق عبارت «فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ»

تصریح روایاتی مانند صحیح زرارہ

حکمت مذکور در روایت (عیالمنند بودن پدر)

Sco2⇒20:00

## عول و تعصیب

هنگامی که میت از خود ترکه‌ای باقی می‌گذارد؛ هر یک از ورثه ممکن است فرض بر باشند و نیز ممکن است بالقرا به ارث ببرند.

اگر تمامی ورثه فرض بر باشند و هیچ یک بالقرا به ارث نبرند، سه حالت قابل تصور است:

۱. مجموع سهام ورثه با مخرج کسر، برابر است.

مثال اول: ورثه عبارت باشند از پدر، مادر و دو دختر؛ در این صورت فرض هر یک از پدر و مادر، سدس و فرض دو دختر، دو ثلث خواهد بود؛ در این حالت، مخرج مشترک فرائض یاد شده ۶ است؛ به عبارت دیگر، ماترک را به شش سهم تقسیم می‌کنند که پدر یک سهم (معادل سدس ترکه)، مادر یک سهم و مجموع دختران میت نیز چهار سهم (معادل دو ثلث) را به عنوان فریضه دریافت می‌کنند؛ ملاحظه می‌کنیم که مجموع سهام ورثه در این صورت، برابر با مخرج مشترک آنها (۶) است.

مثال دوم: ورثه عبارت باشند از خواهر واحد ابوینی یا ابی و شوهر میت؛ در این صورت فرض خواهر ابوینی یا ابی، نیمی از ترکه و فرض شوهر نیز، نیمی از ترکه خواهد بود. در این حالت، مخرج مشترک فرائض یاد شده ۲ است؛ به عبارت دیگر، ماترک به دو سهم تقسیم می‌شود که خواهر واحد ابوینی یا ابی، یک سهم (معادل نیمی از ترکه) و شوهر نیز یک سهم (معادل نیمی از ترکه) را دریافت می‌کند؛ ملاحظه می‌کنیم که مجموع سهام ورثه در این صورت، برابر با مخرج مشترک آنها (۲) است.

در هر یک از مثال‌های ذکر شده، مجموع سهام ورثه با مخرج کسر برابر است؛ که در این حالت، با مانعی مواجه نیستیم.

۲. مجموع سهام ورثه، بیشتر از مخرج کسر است.

مثال: ورثه عبارت باشند از پدر، مادر، شوهر و دختر واحد؛ در این صورت فرض هر یک از پدر و مادر، سدس، فرض شوهر ربع و فرض دختر نیمی از ترکه است. در این حالت، مخرج مشترک فرائض یاد شده، ۱۲ است؛ به عبارت دیگر، ماترک به دوازده سهم تقسیم می‌شود که دختر واحد ۶ سهم (معادل نیمی از ترکه)، پدر و مادر، هر



یک دو سهم (معادل سدس ترکه) و شوهر سه سهم (معادل ربع ترکه) را به عنوان فریضه دریافت می‌کنند؛ این در حالی است که مجموع سهام ورثه در این صورت، ۱۳ است که بیش از مخرج مشترک آنها یعنی «۱۲» می‌باشد. فقهای عامه به این حالت «عول» می‌گویند؛ که در درس های آینده به بررسی تفصیلی این حالت خواهیم پرداخت. ۳. مجموع سهام ورثه، کمتر از مخرج کسر است.

مثال: ورثه عبارت باشند از پدر و مادر و دختر واحد؛ در این صورت سهم هر یک از پدر و مادر، سدس ترکه و سهم دختر یک دوم است؛ در این حالت، مخرج مشترک فرایض یاد شده، ۶ است؛ به عبارت دیگر، ترکه به ۶ سهم تقسیم می‌شود که دختر واحد ۳ سهم و هر یک از پدر و مادر، ۱ سهم را دریافت می‌کنند؛ این در حالی است که مجموع سهام ورثه در این صورت، ۵ است که کمتر از مخرج مشترک آنها «۶» می‌باشد. فقهای عامه به این حالت «تعصیب» می‌گویند؛ که در درس های آینده به بررسی تفصیلی این حالت خواهیم پرداخت.

### تطبیق

إذا كان جميع الورثة ذوی فروض

اگر تمام ورثه فرض بر باشند در هنگام تقسیم ارث سه حالت ممکن است رخ بدهد: فتارة تفترض فروضهم مساوية لسته أسداس، و اخرى يفترض كونها اكثر من ذلك، و ثالثة يفترض كونها أقل. یا سهام با مخرج کسر برابر یا بیشتر یا کمتر از آن خواهد بود. مثال الاولى ما لو فرض ان الوارث ابوان و بنتان. مثال برای صورت اول: مانند این که وارث، والدین میت و دو دختر باشد.

اگر تمامی ورثه فرض بر باشند و هیچ یک بالقرا به ارث نبرند، سه حالت قابل تصور است:

- |   |   |
|---|---|
| (الف) برابری مجموع سهام ورثه با مخرج کسر<br>(ب) بیشتر بودن مجموع سهام ورثه از مخرج کسر: عول<br>(ج) کمتر بودن مجموع سهام ورثه از مخرج کسر: تعصیب | } |
|---|---|

## چکیده

۱. دلیل مشهور فقها بر لزوم زنده و متولد بودن اخوه هنگام موت میت جهت حاجب بودن اخوه نسبت به مادر میت، انصراف عنوان اخوه از حمل و عدم صدق عنوان برادر یا خواهر بر حمل می باشد.
۲. اسلام و حریت در حاجب بودن اخوه، شرط مورد اتفاق فقها است و دلیل آنان روایاتی مانند صحیح محمد بن مسلم است که در آن از امام صادق (علیه السلام) سؤال شده: آیا مملوک و مشرکی که خود ارث بر نیستند حاجب می شوند؟ امام فرموده است: خیر.
۳. اگر صحیح محمد بن مسلم ظهور در حجب نقصان نداشته باشد حداقل به سبب اطلاق یا عدم استفصال از سوی امام، بر حجب نقصان دلالت خواهد کرد.
۴. دلیل لزوم زنده بودن پدر برای حاجب بودن اخوه، ظهور عبارت «و وَرَثَهُ أَبَوَاهُ» در آیه شریفه «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَ وَرَثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ» و نیز اطلاق عبارت «فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ» می باشد.
۵. تصریح روایاتی مانند صحیح زراره و نیز حکمت مذکور در این روایت (عیالمند بودن پدر) نیز بر ضرورت زنده بودن پدر برای حاجب بودن اخوه دلالت دارد.
۶. اگر تمامی ورثه فرض بر باشند و هیچ یک بالقرا به ارث نبرند، سه حالت قابل تصور است:  
 الف) مجموع سهام ورثه با مخرج کسر، برابر باشد.  
 ب) مجموع سهام ورثه، بیشتر از مخرج کسر باشد که به این حالت «عول» گفته می شود.  
 ج) مجموع سهام ورثه، کمتر از مخرج کسر باشد که به این حالت «تعصیب» گفته می شود.